

نامزدهای که ردصلاحیت میشوند از زبان حسین شریعتمداری (روزنامه کیهان)

به گزارش انعکاس حسین شریعتمداری نوشت:

۱- آن روز، وقتی رسول خدا(ص) به آوردگاه «احد» در یک فرسنگی مدینه رسید و برای مقابله با سپاه قریش به آرایش نیرو پرداخت، عبدالله بن جبر را با ۵۰ تیرانداز چیره دست به مراقبت از «تنگه احد» گماشت و به آنان سفارش اکید فرمود که هرگز و تحت هیچ شرایطی تنگه را رها نکنند و از جایگاه خویش جدا نشوند، چرا که خالد بن ولید، از سرکردگان سپاه دشمن با ۲۰ سوار شمشیرزن در آن سوی تنگه به کمین ایستاده بود و غفلت تیراندازان را انتظار می کشید تا از تنگه عبور کرده و سپاهیان اسلام را دور بزنند.

زمان چندانی از شروع جنگ نگذشته بود که سپاهیان اسلام با شجاعت مثال زدنی سپاه مشرکان را به سختی شکست داده و ناچار به فرار کردند. تعداد زیادی از نگهبانان تنگه که شاهد شکست و هزیمت دشمن بودند، عهدی که با رسول خدا(ص) بسته بودند را شکستند و برای جمع آوری غنیمت تنگه را رها کرده و به میدان کارزار شتافتند. هشداری پی در پی عبدالله بن جبر نیز سودی نداشت و بلافاصله

پس از غنیمت تیراندازان نگهبان، خالد بن ولید با ۲۰ شمشیرزن تحت امر خویش به تنگه حمله ور شد. محافظان باقیمانده و از جمله عبدالله بن جبر را به شهادت رساند و از پشت به سپاهیان پیروز اسلام تاخت و... تنگه احد را از این زاویه می توان «تنگه غنیمت»! نامید، چرا که محافظان تنگه در آن روز حساس، سفارش رسول خدا(ص) را وانهادند، غنیمت را در میدان کارزار دیدند ولی خالد بن ولید را که به کمین ایستاده بود ندیدند. غفلتی که هزینه سنگینی در پی داشت و عرصه پیروز جنگ را به دشمنان شکست خورده واگذاشت و آنچه نباید اتفاق بیفتد، اتفاق افتاد.

۲- در عرصه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم سه جبهه مشخص و تعریف شده را می توان دید که به رقابت در مقابل هم ایستاده اند. جبهه اصولگرایان که ترجمان دیگری از توده های عظیم مردم پاكبخته و شیفته نظام اسلامی است و به همین علت واژه «جبهه» مناسب آن نیست، چرا که این توده عظیم مردمی در قالب هیچ تابلوی حزبی و زیرپرچم هیچیک از گروههای سیاسی قابل تعریف نیستند، آنان در گزینش نامزدها، معیارها و مللک های برگرفته از آموزه های اسلامی و انقلابی که در رهنمودهای امام راحل(ره) و خلف حاضر ایشان قابل دریافت است تکیه می کنند و اگر در انتخابات به نامزد معرفی شده از سوی فلان جریان سیاسی روی می آورند برای آن است که تجلی و نشانه معیارهای یاد شده را در فلان نامزد ریاست جمهوری بیشتر از سایر نامزدها می دانند و نه به این علت که نامزد مورد نظر آنان را فلان جبهه معرفی کرده است.

جبهه اصولگرایان با تأکید بر معیارها و ملاک های مورد اشاره در عرصه انتخابات پیش روی حاضر می شود و مانند گذشته تلاش می کند جریان قابل قبولی برای نمایندگی معیارهای یاد شده و مورد پذیرش مردم باشد. در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، این جبهه - جبهه اصولگرایان- صرفنظر از برخی اختلاف سلیقه های موجود در میان دست اندرکاران آن که گاه به تفکیک دو یا سه جبهه انجамیده است، در کانون توجه توده های عظیم مردم قرار دارد. این نگاه مردمی را می توان در چند دوره انتخاباتی اخیر، مجلس و ریاست جمهوری به وضوح دید.

در سوی دیگر عرصه انتخابات پیش روی اگرچه ظاهرا و با نگاه اول سه جریان متفاوت را می توان دید ولی در بررسی دقیق تر که این روزها با توجه به مواضع اعلام شده آنان به آسانی امکان پذیر است، دو جریان سیاسی از این سه جریان با یکدیگر پیوند خورده اند؛

اول- اصلاح طلبان؛ این جریان شامل گروهی از اصلاح طلبان است که در فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ وارد نشده بودند. و البته برخی از آنها اگرچه با جریان اصولگرایی نیز مرزبندی داشته و در همان حال مرزبندی چندان روشن و اعلام شده ای با اصحاب فتنه نداشته اند ولی مانند شمار دیگری از مدعیان اصلاحات آلوده به فتنه نشده بودند.

دوم- جبهه مشترک اصحاب فتنه و حلقه انحرافی؛

الف: اصحاب فتنه: این گروه افراد اندک و کم شماری را در خود جای داده است که سران وطن فروش فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ اصلی ترین اعضای آن هستند. اصحاب فتنه اگرچه نفرات پرشماری ندارند ولی از حمایت گسترده و فراگیر مثلث بیرونی آمریکا، اسرائیل و انگلیس برخوردارند و به همین علت، شبکه عنکبوتی رسانه های بیگانه و ضدانقلاب و برخی روزنامه ها و نشریات زنجیره ای همه توان خود را به تبلیغ و مخصوصا «دریشت نمایی» این جریان «ریز» اختصاص داده اند و می کوشند، کمبود چشمگیر نفرات این جریان را با بزرگ نمایی جعلی در فضای مجازی و سایبری جبران کنند. سرویس های اطلاعاتی مثلث یاد شده از اعضای اصلی این گروه با عنوان «فسیل زنده» یاد می کنند، «فسیل» برای آن که مرده اند و بعد از یک بار مصرف، شناسایی شده و دیگر کاری از آنان ساخته نیست و «زنده» به خاطر آن که برای حفظ سایر عوامل وابسته به خود و جلوگیری از قطع امید آنان، مجبور به حمایت از آنها هستند. دقیقا شبیه حمایت آمریکا از شاه مخلوع و فراری که صرفا برای امید دادن به سایر مهره های خود نظیر ملک حسین و انورسادات و ملک خالد و... بود.

ب: گروه دیگر از این جبهه مشترک، «حلقه انحرافی» است. این حلقه به لحاظ تعداد، بسیار اندک است و دست اندرکاران آن افراد کم اهمیتی هستند که میزان درک سیاسی و عقیدتی آنها را می توان در مواضع و نوشته ها و اظهارنظرهای سخیف آنان به ارزیابی نشست. این گروه با توان و دانشته های واقعی خود نمی توانست در کنار اصحاب فتنه جایی داشته باشد و آنچه باعث پذیرش این حلقه از سوی جبهه مورد اشاره شده است، نفوذ اعضای حلقه انحرافی در دولت و دسترسی آنها به این کانون قدرت و ثروت ملی است. اعضای این حلقه در مواردی از کیسه بیت المال و ثروت عمومی برای اهداف خود

هزینه می کنند و به عزل و نصب مدیران می پردازند.

۳- درباره جبهه مشترک یاد شده و چگونگی ورود آن به صحنه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم گفتنی های فراوانی هست که به بعد موکول می کنیم و در نوشته پیش روی تنها به این نکته بسنده می شود که هیچ یک از سه گروه مورد اشاره - دو گروه مشترک فتنه و انحراف- و گروه اصلاح طلبان بیرون از فتنه ۸۸ برای انتخابات خرداد ۹۲ نامزد مطرح و قابل رقابتی ندارند.

الف: گروه اول یعنی اصلاح طلبانی که درون نظام تعریف می شوند و از فتنه ۸۸ دور بوده اند، اگرچه توان معرفی نامزد دارند ولی نامزدهای مورد نظر آنها افرادی هستند که در میان مردم در مقیاس کسب رأی برای ریاست جمهوری، شناخته شده نیستند.

ب: نامزدهای مورد نظر دو گروه مشترک «اصحاب فتنه» و «حلقه انحرافی» اگرچه قرار است به طور جداگانه و با ظاهری متفاوت و حتی با تظاهر به اختلاف با یکدیگر مطرح شوند ولی به یقین از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت خواهند شد، چرا که گروه اول -اصحاب فتنه- دسته های آلوده به وطن فروشی و خیانت و جنایت دارند و بایستی در انتظار محاکمه و مجازات باشند و افراد اصلی گروه دوم- حلقه انحرافی- ضمن آن که مرتکب جرایم فراوان و قابل پیگرد قانونی شده اند، بارها نیز به وضوح نشان داده اند که با آموزه های اصیل اسلامی و انقلابی فاصله فراوانی دارند. از سوی دیگر هر دو جریان فتنه و حلقه انحرافی مخصوصاً اعضای اصلی آنها نه فقط پایگاهی در میان مردم ندارند، بلکه با مخالفت شدید و بعضاً آمیخته به عصبانیت آنان نیز روبرو هستند.

۴- و اما، برخی از اخبار موثق و شواهد درخور توجه حکایت از آن دارد که گروه های یاد شده نیز به خوبی می دانند شانس برای پیروزی در انتخابات پیش روی ندارند و از این روی، راهبرد اصلاح طلبان بیرون از فتنه معرفی نامزد اختصاصی و یا نهایتاً گرایش به نامزدی است که مواضع او را نزدیکتر به خود ارزیابی می کنند و راهبرد تعریف شده گروه مشترک فتنه و انحراف در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم کاستن از ضریب موفقیت اصولگرایان است و این مقصود را با سه تاکتیک مشخص دنبال می کنند.

الف: اعلام نزدیکی به برخی از نامزدهای احتمالی اصولگرایان با هدف القای بدبینی و ایجاد تفرقه در میان آنها.

ب: تلاش برای افزودن بر تعداد نامزدهای اصولگرایان به منظور کاستن از آراء نهایی نامزد منتخب و سپس القای این توهم که رویکرد مردم به اصولگرایان کاهش یافته است!

ج: بهره گیری از تبلیغات گسترده در فضای مجازی- رسانه های بیگانه، ضد انقلاب و روزنامه های زنجیره ای- با هدف «بزرگ نمایی» خود و با این منظور که بعد از پایان انتخابات، خود را یک اقلیت مطرح! قلمداد کنند.

۵- و اما، آنچه موضوع اصلی این نوشته است و بندهای فوق المذکر فقط مقدمه ای برای ورود دقیق تر به همین موضوع اصلی بوده است، غفلت غیرقابل توجیه برخی از اصولگرایان و یا مدعیان اصولگرایی است که خواسته یا ناخواسته در میدان فریب یاد شده به بازی گرفته شده اند! یکی می گوید به لحاظ اخلاقی نمی توانم درخواست کسانی را که از من خواسته اند کاندیدا شوم، رد کنم. دیگری اعلام می کند؛ از آنجا که تعداد دعوت کنندگان از بنده به حد نصاب رسیده است تصمیم به کاندیداتوری گرفته ام! آن دیگری می گوید؛ وقتی جوان هایی مثل من هستند، چرا دنبال پیرمردها می روید! و آن نامزد احتمالی دیگر ادعا می کند که اگر نامزد نشوم به مردم خیانت کرده ام! و... که با حفظ احترام این عزیزان باید برادرانه خطاب به آنان گفت؛ احتمال چندان برای پیروزی شما نیست. نه این که خدای نخواستہ صلاحیت نداشته باشید، بلکه از رویکرد مردمی در مقیاس رأی آوری برای ریاست جمهوری برخوردار نیستید. بنابراین چرا بی آن که متوجه باشید، در میدان حریف بازی می کنید؟! هر احساسی که تکلیف شرعی نیست! هست؟!

در این باره باز هم گفتنی هایی هست...